

پیش‌خوانی

بخش «کاغذکنان»

در بستر تاریخ ایران

محنت برده

از ادوار قاجار و پهلوی

■ **نیما احمدپور**



«کاغذکنان در گذرگاه تاریخ ایران» نام اثری است که پیشینه تاریخی یکی از بخش‌های شمالی و مغفول ایران را، باز می‌نماید. برای

تحقیق نوانتشار، معرفی اجمالی این منطقه، ضروری می‌نماید. کاغذکنان تا سال ۱۳۵۸، یکی از بخش‌های خلخال بود که به دلیل نبود راه ارتباطی مناسب با این شهر، به میانه واگذار شد. این منطقه یکی از مراکز و شهرک‌های ساخت کاغذ در دوران رونق صنعت کاغذسازی در ایران، پس از انتقال این صنعت از چین به کشورمان بود که نیازهای کاغذی زیع رشدی و تیریز را، تأمین می‌کرده است. بیشتر مردم این شهر، به کاغذسازی در «کاغذخانه‌های خویش می‌پرداخته‌اند و از سده هفتم هجری، آنجا را به نام «کاغذکنان» خوانده‌اند. کاغذکنان، یکی از تاریخی‌ترین و قدیمی‌ترین مناطق شهرستان میانه و استان آذربایجان شرقی است، که در دورانی از تاریخ، همچون ابتدای دوران اسلامی تا دوران حکومت مغولان، شهری پویا و آباد بوده و قطب تجاری منطقه محسوب می‌شده است. این بخش، سه راه دارد که یکی در سطح روستایی، روستاها را به یکدیگر ارتباط می‌دهد. دیگری راهی است که روستاها را به شهر میانه ارتباط می‌دهد و اصلی‌ترین راه آن، جاده سرچم–اردبیل است که در مقیاس ملی، استان اردبیل را به آزادراه تهران–تبریز متصل می‌کند و فاصله آن تا تهران را، چهار ساعت کاهش می‌دهد. پژوهش مورد معرفی، توسط اکبر پرنودی تألیف شده و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، آن را منتشر ساخته است.

ناشر در دیپاچه این کتاب، در باب اهمیت



نمای از بل برادیس در کاغذکنان میانه

موضوع و محتوای آن، چنین آورده است: «نویسنده کتاب به جهت خدمت به فرهنگ و مردم زادگاه خود و احیای عظمت تاریخی و فرهنگی آن سامان از سال ۱۳۲۴ شروع به تحقیق در زمینه تاریخ و جغرافیای منطقه نموده و به جمع‌وری اطلاعات و اسناد تاریخی از دوران صفویه و قاجاربه و شناسایی علما و مشاهیر منطقه کوشیده است. کاغذکنان، یکی از بخش‌های سه‌گانه شهرستان میانه، از استان آذربایجان شرقی است. در این کتاب و پیشینه تاریخی و موقعیت جغرافیایی منطقه یادشده، بررسی می‌شود. کاغذکنان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی، بیشترین ستم و بی‌توجهی را به خود دیده و در طول ۳۰سال گذشته، بیشتر مردم ساکن در آنجا به شهرهای بزرگ، اکثریت به شهر تهران و حومه آن مهاجرت کرده‌اند و در سال‌های اخیر، مهاجرت شدت بیشتری داشته که امید است توجه مسئولان قرار گیرد. در فصل اول این اثر، موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی کاغذکنان توصیف شده است. فصل دوم مروری است بر سرگذشت کاغذکنان از اوایل قرون اسلامی تا ظهور صفویه. فصل سوم درباره دوره صفویه و کاغذکنان است. در فصل چهارم، اوضاع سیاسی اجتماعی منطقه کاغذکنان و خلخال در دوره بعد از انقلاب مشروطه بررسی شده است. فصل پنجم به معرفی علما و مشاهیر علم و ادب کاغذکنان اختصاص دارد. در فصل ششم آثار تاریخی کاغذکنان معرفی شده‌اند. فصل هفتم نگاهی است به اوضاع اجتماعی کاغذکنان در دوره پهلوی به ویژه مقطع حاکمیت رضاخان. صفحات پایانی به تصاویر، اسناد و معرفی اماکن دیدنی و آثار تاریخی و رجال کاغذکنان، اختصاص دارد. کتاب با نمایه‌اسمی به پایان می‌رسد.»

■ **یاسر عسگری**

زنده‌یادان آیت‌الله حاج سیدهای خسروشاهی و آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی تسخیری، دو تن از فعالان برجسته تقریب‌مذاهب اسلامی و کنگشگران فرهنگی جهان اسلام بودند که به فاصله نزدیک (اسفند ۹۸ و مرداد ۹۹)، درگذشتند. پیام‌های رهبر معظم انقلاب به‌مناسبت درگذشت این دو شخصیت برجسته فرهنگی و دینی، قابل بررسی و تأمل است و بیانگر شناخت دقیق رهبر انقلاب از این دو بزرگوار و تبیین‌گر راه پیش‌رو، برای فعالان حوزوی است. در مقال بی‌آمده، این دو پیام مورد خوانش تحلیلی قرار گرفته‌اند. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **سونگ‌نامه‌ای برای «رفیق دیرین»**

در ابتدای این مقال، به پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت درگذشت آیت‌الله سیدهای خسروشاهی می‌پردازیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم مجاهد مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدهای خسروشاهی (رحمت‌الله‌علیه) را، به خاندان محترم و یازمانگان و اردنمندان و علاقه‌مندان به آثار قلمی ایشان، تسلیت عرض می‌کنم.ایشان عنصری خشکی‌ناپذیر در تبلیغ معارف اسلامی، به‌وسیله نگارش مقالات و ترجمه‌ها و کتاب‌های متعدد، در مدت ۶۰سال از زندگی خویش بودند و انگیزه و همتی کم‌نظیر در تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی و اتحاد مسلمین، به کار می‌بردند. تلاش‌های دیپلماسی در دوران جمهوری اسلامی در واتیکان و قاهره نیز، بخش دیگری از مجاهدت این رفیق دیرین اینجانب بود. از خداوند متعال، رحمت و مغفرت و حشر با اجداد طاهرن را، برای ایشان مسئلت می‌کنم.

سیدعلی خامنه‌ای/۱۰ اسفند ۱۳۹۸ در پیام رهبر انقلاب، اسنادسیدهای خسروشاهی به شرح ذیل توصیف شده است:

۱- عالم مجاهد، این تعبیر به خودی خود، گویاست، فعالیت‌های او مصداق «جهاد» و صبغه برجسته و مهم



تأملی در پیام‌های رهبر معظم انقلاب

به مناسبت درگذشت آیات سیدهای خسروشاهی و محمدعلی تسخیری

اوصافی از «۳ یار تقریب‌اندیش»

استاد خسروشاهی، مجاهدت‌ایشان بوده است.

۲- حجت‌الاسلام والمسلمین: این تعبیر در میان پیام‌های رهبری و مراجع تقلید، به معنایی خاصی دارد. در پیام‌های رهبر انقلاب، این تعبیر معادل لقب «یت‌الله» است. با توجه به دقت و سختگیری رهبر انقلاب در به کار بردن القاب برای دیگران، انتخاب این تعبیر برای استاد خسروشاهی، معنادار است. این نشان می‌دهد که رتبه حوزوی و فقهی استناد خسروشاهی نزد رهبری، اجتهاد است. این امر هنگامی اهمیت مضاعف می‌یابد که رهبر انقلاب برای برخی از منصوبین خود، که در فضای حوزوی و رسانه‌ها به آیت‌الله شهره بودند، در پیام‌های تسلیت با انتصاب تعبیر حجت‌الاسلام را به کار برده‌اند!

۳- عنصری خستگی‌ناپذیر در تبلیغ معارف اسلامی ۴- نگارش مقالات و ترجمه‌ها و کتاب‌های متعدد در مدت ۶۰سال ۵- دارای انگیزه و همتی کم‌نظیر در تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی و اتحاد مسلمین؛ به‌راستی او، حافظه تاریخی جهان اسلام در دوران معاصر، نماد گفت‌وگو دینی در دوره حاضر، دارالمعارف مجسم‌نهیشت‌های اسلامی و یکی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباطی کشور ما با جهان اسلام بود.

۶- تلاش‌های دیپلماسی در واتیکان و مصر؛ اینکه شخصیتی فعالیت و تلاش‌های دیپلماتیک در کشورهای مختلف داشته باشد اما این نقش او وصف مجاهدت‌یابد، مهم و پر معناست. تلاش‌های منحصربه‌فرد و سبک ابتکاری و خاص ایشان در کشورهای محل‌آموریت، می‌تواند الگویی برای سفرا و رایزنان فرهنگی ایران در کشورهای اسلامی باشد.

۷- رفیق دیرین: شاید رهبر انقلاب، این تعبیر را در کمتر پیام تسلیتی به کار برده باشند. از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که این رابطه دو سویه بود و استاد خسروشاهی هم، همواره احترام و جایگاه رفیق دیرین خود را، داشت و نظرات ایشان را، فصل‌الخطاب می‌دانست و به ولایت سیاسی رهبر انقلاب، پایبند بود. در مجموعه خاطرات مستندی که اسناد برای شخصیت‌های متوفای معاصر می‌نوشت، درباره تنها شخصیت زنده‌ای که کتابی مستقل نوشت، مقام

اگر بخواهیم فعالان شیعی تقریب

مذاهب اسلامی را، به صورت نسلی یادورهای دسته‌بندی کنیم، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله خسروشاهی، آیت‌الله تسخیری، آیت‌الله فضل‌الله، آیت‌الله محسنی و شهید آیت‌الله حکیم، تقریباًهم‌دوره‌اند. در میان این شخصیت‌ها، رفاقتی قدیمی میان تنی چند از آنان، یعنی رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله تسخیری و آیت‌الله خسروشاهی وجود داشته است و شاید بتوان آنها را، «سه یار تقریبی» نامید!

نیز بر نکته فوق آمده، باید افزود که متأسفانه به دلایل گوناگون و از سوی پارهای عناصر، دانش حوزوی فعالان حوزه تقریب مذاهب اسلامی و دغدغه‌مندان اتحاد مسلمین، زیر سؤال رفته و می‌رود و با حالتی تحقیرآمیز، به سواد کلامی و فقهی آنها، نگرسته می‌شود؛ با این همه رهبر انقلاب بدون واهمه از این حواشی و بازتاب‌های محتمل آن در برخی محافل، بدون تعارف و رودریاستی، به معلومات حوزوی و فقهی این دو شخصیت، اذعان و آن‌را تأیید کرده‌اند. سوگمندانه حوزوی ما، کمتر به عرصه مهم و تعیین‌کننده تقریب مذاهب اسلامی، توجه کند.

۴- سرو نستوه و خستگی‌ناپذیر: تأکید روی کلمه خستگی‌ناپذیری، از نکات مهم مندرج در این پیام، به شمار می‌رود. توضیح آنکه این حوزه، در زمره عرصه‌هایی هست که هم خستگی آور است و هم همت بسلا و اراده پولادین می‌طلبد. وجود این خصال، هم در مقابله با دشمنان خارجی و تفرقافتن ضرورت می‌یابد و هم در مقابله با متخجران و صاحب‌افکار سنتی‌نگارنده که آخرین ماه‌های حیات استادان خسروشاهی و تسخیری را درک کرده است، این تلاش‌های شبانه‌روزی و دغدغه‌های مستمر نشر معارف اسلامی و اهل بیت(ع) را، از نزدیک لمس کرده است.

۵- کارنامه‌ای درخشان با انواع خدمات برجسته در بنجام و چنین میباد

۶- عزم‌راسخ و دل پرانگیزه: پیگیری مسائل جهان اسلام به‌ویژه حوزه تقریب مذاهب اسلامی و تعامل بااهل سنت و جریانات و شخصیت‌های غیرشیعی، اراده‌الایی می‌خواهد تا هم شخصیت تقریب‌گر از ادامه راه تأمیدنشود و مهم‌تر از آن، ملاحظه آبرو و آینده خویش را نیز نکند!

۷- حضور مؤثر و برکت‌بخش

۸- تلاش‌های ارزشمند در مسئولیت‌ها و خدمات داخلی ایشان

۹- روحانی فاضل و متعهد

■ **نکته‌ها و تأملات**

یک- رهبر معظم انقلاب که دغدغه تقریب مذاهب و وحدت مسلمین و همسویی جهان اسلام را از دیرباز داشته و دارند، در فاصله شش ماه، دو شخصیت معتمد و همگام خویش را در تحقق این گفتمان، از دست دادند! هم از این رو، خلأیی بزرگ در حلقه‌های ارتباطی میان فعالان اسلام‌گرای جهان معاصر و اندیشمندان تقریبی شیعی کنونی، به وجود آمد که در کوتاه مدت، قابل جبران حواشی و تفرقافتگی‌های فعالان حوزوی و دانشگاهی، که داعیه ولایت‌مداری و تحقق این گفتمان، از دست دادند! هم از این رو، بی‌توجه نباشند و تحت تأثیر فضاهای سنت‌گرا و متخجر، از ورود در این عرصه واهمه‌نداشته باشند و به مسئله تقریب مذاهب و وحدت جهان اسلام، باوری راستین بیابند.

دو- اگر بخوایم فعالان شیعی تقریب مذاهب را به صورت نسلی با دوره‌های دسته‌بندی کنیم، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، آیت‌الله سیدهای خسروشاهی، آیت‌الله محمدعلی تسخیری، آیت‌الله سیدمحمدحسین فضل‌الله، آیت‌الله اصف محسنی و آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم، تقریباً هم‌دوره‌اند و در دوره پیش‌تر، آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی و پیش از آن استاد اغلب این بزرگان، یعنی آیت‌الله العظمی حاج‌افق‌حسین بروجر دی، چنین گرايشی داشته‌اند. در میان این شخصیت‌ها، رفاقتی قدیمی میان تنی چند از آنان، یعنی رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله تسخیری و آیت‌الله خسروشاهی وجود داشته است و شاید بتوان آنها را، «سه یار تقریبی» نامید. با درگذشت غالب شخصیت‌های برجسته تقریبی معاصر، این ایده می‌تواند دچار آسیب‌های جدی شده و در آینده نیز، به رکود فکری و نظری بگراید. مگر اینکه با الطاف خدای متعال و لطف و عنایت او، طلاب و روحانیون انقلابی، این مسیر را ادامه دهند.

سه- فرصت‌شناسی و زمان‌شناسی برای فعالیت‌های تقریبی، از جمله ویژگی‌های آیت‌الله خسروشاهی و آیت‌الله تسخیری بود. هر دو بزرگوار- که زمان پیش و پس از انقلاب را دیده بودند و در هر دو دوره، فعالیت‌های فرهنگی داشتند- دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی را، برای تقریب مذاهب و شناساندن صحیح و عقلانی مکتب اهل بیت(ع)، بسیار طلایی می‌دانستند و تلاش داشتند از این فرصت مهم، نهایت استفاده را ببرند. آنان علیرغم انتقاداتی که به‌بخش‌هایی از تصمیمات و رفتارهای دولت‌ها داشتند، با تمرکز بر فقه‌های کلان پیش روی مکتب اهل بیت(ع) در جهان و عبور از مسائلی که می‌توانست آنها را درگیر مقسولات خردِ داخل‌کشند، پیگیر این آرمان بزرگ اسلامی و شیعی شدند. این دو برای رسیدن به این هدف مهم و تأثیرگذار، همتی والا و اراده‌ای پولادین داشتند و سختی‌ها، طعنه‌ها و تیش و کنایه‌ها را به جان خریدند. گرچه در دوره حاضر و زمان حیات و فعالیت‌های این بزرگواران، به نحو شایسته و درخور از کارکرد ایشان تقدیر نشده، اما بی‌تردید آینه‌گان، با نام نیک از آنها

تقدیر، آنان علیرغم انتقاداتی که به‌بخش‌هایی از تصمیمات و رفتارهای دولت‌ها داشتند، با تمرکز بر فقه‌های کلان پیش روی مکتب اهل بیت(ع) در جهان و عبور از مسائلی که می‌توانست آنها را درگیر مقسولات خردِ داخل‌کشند، پیگیر این آرمان بزرگ اسلامی و شیعی شدند. این دو برای رسیدن به این هدف مهم و تأثیرگذار، همتی والا و اراده‌ای پولادین داشتند و سختی‌ها، طعنه‌ها و تیش و کنایه‌ها را به جان خریدند. گرچه در دوره حاضر و زمان حیات و فعالیت‌های این بزرگواران، به نحو شایسته و درخور از کارکرد ایشان تقدیر نشده، اما بی‌تردید آینه‌گان، با نام نیک از آنها تقدیر، آنان علیرغم انتقاداتی که به‌بخش‌هایی از تصمیمات و رفتارهای دولت‌ها داشتند، با تمرکز بر فقه‌های کلان پیش روی مکتب اهل بیت(ع) در جهان و عبور از مسائلی که می‌توانست آنها را درگیر مقسولات خردِ داخل‌کشند، پیگیر این آرمان بزرگ اسلامی و شیعی شدند. این دو برای رسیدن به این هدف مهم و تأثیرگذار، همتی والا و اراده‌ای پولادین داشتند و سختی‌ها، طعنه‌ها و تیش و کنایه‌ها را به جان خریدند. گرچه در دوره حاضر و زمان حیات و فعالیت‌های این بزرگواران، به نحو شایسته و درخور از کارکرد ایشان تقدیر نشده، اما بی‌تردید آینه‌گان، با نام نیک از آنها تقدیر، آنان علیرغم انتقاداتی که به‌بخش‌هایی از تصمیمات و رفتارهای دولت‌ها داشتند، با تمرکز بر فقه‌های کلان پیش روی مکتب اهل بیت(ع) در جهان و عبور از مسائلی که می‌توانست آنها را درگیر مقسولات خردِ داخل‌کشند، پیگیر این آرمان بزرگ اسلامی و شیعی شدند. این دو برای رسیدن به این هدف مهم و تأثیرگذار، همتی والا و اراده‌ای پولادین داشتند و سختی‌ها، طعنه‌ها و تیش و کنایه‌ها را به جان خریدند. گرچه در دوره حاضر و زمان حیات و فعالیت‌های این بزرگواران، به نحو شایسته و درخور از کارکرد ایشان تقدیر نشده، اما بی‌تردید آینه‌گان، با نام نیک از آنها تقدیر، آنان علیرغم انتقاداتی که به‌بخش‌هایی از تصمیمات و رفتارهای دولت‌ها داشتند، با تمرکز بر فقه‌های کلان پیش روی مکتب اهل بیت(ع) در جهان و عبور از مسائلی که می‌توانست آنها را درگیر مقسولات خردِ داخل‌کشند، پیگیر این آرمان بزرگ اسلامی و شیعی شدند. این دو برای رسیدن به این هدف مهم و تأثیرگذار، همتی والا و اراده‌ای پولادین داشتند و سختی‌ها، طعنه‌ها و تیش و کنایه‌ها را به جان خریدند. گرچه در دوره حاضر و زمان حیات و فعالیت‌های این بزرگواران، به نحو شایسته و درخور از کارکرد ایشان تقدیر نشده، اما بی‌تردید آینه‌گان، با نام نیک از آنها

تقدیر، آنان علیرغم انتقاداتی که به‌بخش‌هایی از تصمیمات و رفتارهای دولت‌ها داشتند، با تمرکز بر فقه‌های کلان پیش روی مکتب اهل بیت(ع) در جهان و عبور از مسائلی که می‌توانست آنها را درگیر مقسولات خردِ داخل‌کشند، پیگیر این آرمان بزرگ اسلامی و شیعی شدند. این دو برای رسیدن به این هدف مهم و تأثیرگذار، همتی والا و اراده‌ای پولادین داشتند و سختی‌ها، طعنه‌ها و تیش و کنایه‌ها را به جان خریدند. گرچه در دوره حاضر و زمان حیات و فعالیت‌های این بزرگواران، به نحو شایسته و درخور از کارکرد ایشان تقدیر نشده، اما بی‌تردید آینه‌گان، با نام نیک از آنها تقدیر، آنان علیرغم انتقاداتی که به‌بخش‌هایی از تصمیمات و رفتارهای دولت‌ها داشتند، با تمرکز بر فقه‌های کلان پیش روی مکتب اهل بیت(ع) در جهان و عبور از مسائلی که می‌توانست آنها را درگیر مقسولات خردِ داخل‌کشند، پیگیر این آرمان بزرگ اسلامی و شیعی شدند. این دو برای رسیدن به این هدف مهم و تأثیرگذار، همتی والا و اراده‌ای پولادین داشتند و سختی‌ها، طعنه‌ها و تیش و کنایه‌ها را به جان خریدند. گرچه در دوره حاضر و زمان حیات و فعالیت‌های این بزرگواران، به نحو شایسته و درخور از کارکرد ایشان تقدیر نشده، اما بی‌تردید آینه‌گان، با نام نیک از آنها

۹ جوان

در تمامی ادوار حیات، متواضع، جست‌وجوگر و پرتلاش بودند. در نوجوانی و جوانی، به آرمان‌های بلند «تحقق حکومت اسلامی» و اسلام به عنوان «تنهاترین‌راه حل‌جوامع مسلمان» می‌اندیشیدند و از هر فرصتی برای تحقق این اهداف، استفاده می‌کردند. ساختار رسمی حوزه‌ها، غیر از طیف نواندیش و امانت‌اندیش، با اینان همراهی چندانی نداشتند ولی ایشان بی‌توجه به ایسن موانع و مشکلات، بر اساس الگوها و برنامه‌هایی که آنها را صحیح می‌دانستند، رفتار می‌کردند. تحلیل شخصیت و نوع فعالیت‌های این دو بزرگوار، الگوهای به‌روز از تعامل بااندیشمندان و جریانات اسلام‌گرای معاصر را، به جوانان حوزوی و دانشگاهی امروز، عرضه خواهد داشت و نسل امروز و فردا، از این تجربیات فراوان بهره خواهد برد. آیت‌الله خسروشاهی و آیت‌الله تسخیری، در زمره آخرین حلقه‌های نسل طلایی تقریب مذاهب اسلامی و وحدت اسلامی معاصر بودند که فقدان آنها، نقصانی جدی و جبران‌ناپذیر برای این گفتمان خواهد بود و حتی نگرانی آن است که نسل جدیدی از تقریب‌گرایان سیاست‌زده و شاید مغفتم‌گرا، پرورده شده و قدم به عرصه فرهنگ بگذارند! حتی این احتمال وجود دارد که با درگذشت شخصیت‌های برجسته تقریبی معاصر در یک دهه اخیر، شاهد تغییر پارادایمی در حوزه تقریب مذاهب و اتحاد جهان اسلامی باشیم و چنین میباد

پنج- نکته دیگری که موجب شد تا رهبر معظم انقلاب، پیام‌های تجلیل آمیزی درباره این دو عالم مجاهد و شخصیت تقریب‌اندیش داشته باشند، سلامت اعتقادی و اعتدال و میانه‌روی آنان در حوزه عقیدتی است. آیات خسروشاهی و تسخیری، از معدود شخصیت‌های بی‌حاشیه تقریبی معاصر بودند و از نظرات شاذ و حساسیت‌برانگیز در این حوزه، دوری می‌کردند و سعی داشتند تا روی اصول و محکمات اسلامی و شیعی، بافشاری کنند و اگر در مسائل اعتقادی یا تاریخ اسلامی نظراتی خاص داشتند، از بیان علنی آن خودداری می‌کردند تا به این بهانه، جریان تقریب زیر سؤال نرود و اظهار نظرات شخصی و علمی آنان، این ایده و جریان فکری را، دچار آسیب و چالش نکند! بنابراین همواره مراقب اظهار نظرات و نگاهت‌های خود در مسائل عقیدتی و معارفی بودند که بهانه دست منتقدان و مخالفان ندهند و تلاش داشتند جریان تقریب را، از حاشیه‌های غیرضروری دور نگه دارند و دفاعی عقلانی و منطقی از آن ارائه دهند. آنان معتقد بودند حواشی و تفرقافتگی‌های مذهبی، از مهم‌ترین آفات فعالیت در این حوزه‌هاست و نهایت سعی خودشان را در پرداختن به اصول و مسلمات اسلامی و شیعی داشتند.

شش- نکته مهم دیگر اینکه آیات خسروشاهی و تسخیری به‌رغم رعایت تمامی ملاحظات شرعی و عقلی، همواره سعی می‌کردند تا فهم خود از سیره اهل بیت(ع) را، در بر خورد با غیر شیعیان عملی سازند و از اینکه موقعیت و جایگاه‌شان در فضای سنتی زیر سؤال برود، ابایی نداشتند! بنابراین از ادوار جوانی، میان‌سال و کهنسالی، به آنچه که درباره آن احساس مسئولیت می‌کردند، به وظایف خودشان عمل می‌کردند و در موارد مهم و حساسیت‌برانگیزی چون فتاوی حرمت قه‌زنی، حرمت بی‌احترامی به همسران پیامبر(ص) از سوی رهبر معظم انقلاب و همچنین فتاوی ارتداد مسلمان‌رشدی از سوی امام خمینی، به تبیین این اندیشه‌های ناب اسلامی و فتاوی امامین انقلاب رویکرد، آماده کرده و همه نوع سرزنش، تحقیر، اهانت و انگ شدند! این دو با شجاعت، با در این میدان خطیری نهندند و از ادامه آن، واهمه‌ای به خود راه ندادند و آماده بودند تا آماج هجمه‌ها و تلاش‌های تخریبی عداای، در فضاهای خاص و حتی مشکوک دینی شوند!

این دو بزرگ در زمان حیات خویش، رهبر انقلاب را- که خود از چهره‌های برجسته تقریبی و معتدل معاصر است- تنها نمی‌گذاشتند و در تبیین اندیشه‌ها و رویکردهای اصلاحی و تقریبی ایشان، آن بزرگوار را همراهی می‌کردند و دست به روشنگری و تبیین می‌زدند. به ازباندیشی و تعاملات و گفت‌وگوهای علمی در مسائل مذمتی و برهمنی از تفرقه و کینه‌ورزی و لجاجت، دوری می‌کردند و در همه حال، سعی داشتند علاوه بر بیان مستدل و عقلانی معارف اهل بیت(ع)، خود در عرصه عملی و رفتاری، نمونه‌ای قابل تحسین از پیروان و شیعیان اهل‌بیت(ع) باشند و به همین خاطر فعالان جهان اسلام، همواره انصاف، تواضع و خوشرویی این دو بزرگوار را، تحسین می‌کردند. هفت- یکی از ویژگی‌های مشترک بین دو بزرگوار، باور راستین و اعتقاد نظری و عملی به مسئله تقریب مذاهب اسلامی بود و از این نظر خویش، تا پایان حیات پربرکت‌شان بازنگشتند و بدان پایبند ماندند. از گفت‌وگوهای بین مذاهب اسلامی، استقبال می‌کردند و در صدد تعاملات گسترده نوین، با نخبگان سنتی و جدید دنیای اسلام بودند. از گفت‌وگوی بین‌الادیانی نیز، استقبال می‌کردند و اقتضات و محدودیت‌های آن را، می‌دانستند ولی برای مفاهمه و رفع آلام بشری و حفظ جوامع انسانی از ظلم مفسدان و مستکبران، بدان می‌پرداختند. تجربیات امام موسی صدر و علامه سیدمحمدحسین فضل‌الله را، در این زمینه حائز اهمیت می‌دانستند و به نیکی از نقش این دو عالم شیعی معاصر، یاد می‌کردند و شرح صدر، موفقیت و تأثیرگذاری بر مخاطبان می‌دانستند. روحشان شاد و بر خوان رحمت الهی مهمان باد.



آیت‌الله محمد باقرزاده آستانی از پیشگامان تقریب مذاهب اسلامی و آیت‌الله محمدعلی تسخیری، آیت‌الله سیدهای خسروشاهی و آیت‌الله فضل‌الله

عاریخ

کفت‌و‌گوه ۸۸۴۹۸۴۲۷